

د: ۸۸/۱۰/۱۴

پ: ۸۹/۶/۲۲

## قدیم‌ترین دستور زبان فارسی به زبان عربی

سید محمد رضا ابن الرسول\*

سمیرا رکنی زاده\*\*

### چکیده

در مقاله حاضر، نگارندگان با در نظر داشت آرای صاحب نظران زبان و ادبیات فارسی در باره نخستین یا کهن‌ترین دستور زبان فارسی، و نقد و بررسی آنها نشان داده‌اند که رساله دست‌نویس *قواعد الفرس* قدیم‌ترین دستور زبان فارسی به زبان عربی است که در دسترس ماست. آنان همچنین، با قراین و مؤیداتی، مؤلف این رساله را «ابن کمال پاشا» دانسته‌اند. یادکرد دیگر کسانی که عنوان «کمال پاشا» در نام آنان به چشم می‌خورد و چند رساله دیگر نامبردار به «*قواعد الفرس*» و نیز گزارش نسخه‌های خطی *قواعد الفرس* ابن کمال پاشا در کتابخانه‌های جهان، از دیگر مطالب این مقاله است.

واژه‌های کلیدی: دستور زبان فارسی، *قواعد الفرس*، ابن کمال پاشا، زبان عربی

\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

## مقدمه

درباره پیشینه دستورنویسی برای زبان و ادبیات فارسی، محققان هم‌روزگار ما، استادان فقید جلال‌الدین همایی، مجتبی مینوی و ذبیح‌الله صفا بررسی‌هایی کرده‌اند. دیگران نیز با استفاده از تحقیقات ایشان مقالات و کتابهایی در این باره نگاشته‌اند که در ادامه مقاله به آنها خواهیم پرداخت.

اما در خصوص نخستین دستور زبان فارسی، به نظر می‌رسد اتفاق نظری وجود ندارد. پیش از آنکه به نقل و نقد آرای موجود در این زمینه بپردازیم، یادآوری نکته‌ای بایسته می‌نماید و آن این است که آشنایی مردمان ناهم‌زبان با ایرانیان، پیشینه‌ای بس دیرینه دارد و سرآغاز آن آشنایی، زمان انعقاد نطفه ترجمه‌ای است که یک سوی آن — یعنی زبان مبدأ یا مقصد آن — زبان فارسی است و بی‌شک بالندگی این ترجمه مرهون فراهم بودن دستور زبانی مدون است.

تصور اینکه برای نمونه، زبان فارسی در سده‌های اول و دوم هجری در سطح گسترده‌ای — از کتب اخلاقی و داستانی گرفته تا فرهنگ پادشاهی و دیوانی — به همت شماری ترجمان حاذق به میان مردمان عربی‌زبان راه یافته و با استقبال چشمگیر آنان روبه‌رو شده، اما هیچ دستور زبانی در میان نبوده باشد، تصویری نامعقول می‌نماید. به هر حال، به نظر می‌رسد حلقه مفقوده این ارتباط، مجموعه‌ای است از قواعد و چنانچه (= الگو)های زبان فارسی که به گونه‌ای ناقص یا حتی به کمال مطرح بوده و بر اساس آن، هم مترجمان کار خود را درست و سریع عرضه می‌کردند و هم عربی‌زبانان، زبان — به تعبیر آنان عجمی — ایرانیان را فرا می‌گرفته‌اند. البته اینکه این آیین‌نامه را ایرانیان خود تدوین کرده باشند یا ناهم‌زبانان آنان بدان پرداخته باشند، در نتیجه مطلوب ما تأثیری ندارد.

بنابراین اگر ما در این مقاله از نخستین دستور زبان فارسی سخن می‌گوییم و مصداقهای آن را نشان می‌دهیم، صرفاً به میراث برجای مانده و در دسترس خود نظر داریم که دریغا تاریخ آن از چند سده پیشتر نمی‌رود.

قدیم‌ترین اثر در باره دستور زبان فارسی صاحب‌نظرانی که پیشتر نام بردیم، هر یک به نوبه خود آثاری را — با صرف نظر از زبان و دیگر ویژگیهای آنها — در این باره نام برده‌اند. استاد فقید جلال‌الدین همایی در مقاله‌ای که بعداً در مقدمه *لغتنامه* دهخدا هم درج گردید، کتابهای *المعجم فی معاییر اشعار العجم* تألیف شمس قیس رازی، *منطق الخرس فی لسان الفرس* به زبان عربی تألیف ابوحنیفان نحوی، *حلیة الانسان فی حلیة اللسان* به زبان عربی تألیف ابن مهنا، و *لسان القلم* در شرح *الفاظ عجم* تألیف عبدالقهار بن اسحق ملقب به شریف را از جمله تألیفات قدیم می‌داند که در باره قواعد زبان فارسی مطالبی دارند (همایی ۱۳۲۲: ۳۵، ۳۸-۳۹، ۴۹؛ نیز همو ۱۳۳۷: ۱۲۳-۱۲۴، ۱۲۹).

استاد مجتبی مینوی هم آورده است:

«و اما کتب دستور زبان فارسی، آن قدر که بنده سراغ دارم گویا قدیم‌ترین کتابی که در این موضوع در دست است، کتابی است که در حدود نهصد هجری به اسم *قواعد الفرس* یا *اساس الفرس* تألیف شده و به زبان عربی است و گویا نویسنده آن ترک بوده است. به زبان عربی دو کتاب دیگر نیز در باب صرف و نحو فارسی موجود است که قدیم است؛ یکی *المفاتیح الدریة فی اثبات القوانین الدریة* و دیگری کتاب *الامثلة الفارسیة*» (مینوی ۱۳۳۶: ۴۴۳).

استاد ذبیح‌الله صفا هم کتاب *تاج الرؤوس و غرة النفوس* تألیف احمد بن اسحق قیسری و سپس کتابهای *اقنوم عجم*، شامل *اللغة*، *تحفه شاهی* و *وسيلة المقاصد الی احسن المراد* را به عنوان اولین کتابها در این باره بر شمرده است (صفا ۱۳۷۳: ۴/ ۱۱۵-۱۱۶).

استاد احمد منزوی، نیز صاحب *قواعد الفرس* را از پیشگامان دستور زبان فارسی بر شمرده است (منزوی ۱۳۷۰: ۲۴۵۹).

از یادداشتهای مرحوم مینوی هم بر می‌آید که «رسالة مشکل‌گشا» — یکی از بخشهای کتاب *پیشگفته شامل اللغة* — و همچنین کتابهای *نحو فارسی*، *وسيلة المقاصد*، *تحفه الهادی* و *تکملة الفارسی*، جزء نخستین دستور زبانهای فارسی است (افشار ۱۳۳۳: ۲۹، ۳۳-۳۴، ۳۷-۳۸، ۴۴).

دکتر محمدجواد شریعت هم کتاب *منهاج الطلب* تألیف محمدبن الحکیم الزینیمی را کهن‌ترین دستور زبان فارسی دانسته است (زینیمی ۱۳۵۸: یک).  
رسالة یائیه ابن کمال پاشا را هم کسانی در ضمن فهرستهای خود آورده‌اند (مهیار ۱۳۷۶: ۱۰).

### بررسی آرای یاد شده

اکنون برای آنکه به مطلوب خود — یعنی شناسایی قدیم‌ترین دستور زبان مستقل فارسی که به زبان عربی تدوین شده و در دسترس است — نزدیک شویم، هفده کتاب یادشده در اقوال پیش‌گفته را با در نظر داشت ویژگیهای زیر و روش حذفی (حذف آثار فاقد این ویژگیها و ابقای آثار واجد آنها) آغاز می‌کنیم:

۱. اینکه آثار یاد شده به زبان عربی نگاشته شده باشند.

۲. مستقلاً و منحصرأً به دستور زبان فارسی پرداخته باشند.

۳. دست‌کم نسخه‌ای از آنها در دسترس باشد.

از آثار فوق، *المعجم فی معاییر أشعار العجم* تألیف شمس قیس رازی (قرن هفتم هجری) چنان که می‌دانیم، هر چند «خوشبختانه از دست حوادث گریخته و به دست ما رسیده» (همایی ۱۳۲۲: ۳۵)، مربوط به مباحث گونه‌گون شعری به زبان فارسی است و تنها در مبحث فن قافیه، در باره انواع حرف و پسوندها مطالبی دستوری — و البته مفصل — آورده است (صنیع ۱۳۷۱: ۱۹ - ۳۲)؛ بنابراین فاقد ویژگی اول و دوم است و از فهرست مورد نظر ما خارج می‌شود.

*لسان القلم* در شرح *الفاظ عجم* تألیف عبدالقهاربن اسحاق شریف، مورخ ۸۶۱ ق، هم — چنان که از نامش بر می‌آید — به زبان فارسی نگاشته شده و «در مقدمه آن هم آمده است که این رساله مکمل و ملخص کتاب *المعجم* است» (همایی ۱۳۲۲: ۴۹)، و بنا به تصریح استاد همایی که نسخه‌ای از آن را در تملک خویش داشته «مستقلاً» مربوط به دستور و صرف و نحو فارسی نیست» و تنها «پاره‌ای از قواعد صرف و اشتقاق را از روی آن می‌توان استخراج کرد». (همان)، و بدین روی فاقد ویژگی اول و دوم است.

تاج الرؤوس و غرة النفوس هم که احمد بن اسحق قیصری (یا قیصری) آن را پیش از سال ۸۹۸ ق نگاشته، به زبان فارسی است (صفا ۱۳۷۳: ۴/۱۱۶) و اقنوم عجم که در سال ۸۹۸ ق تألیف شده (صفا ۱۳۷۳: ۴/۱۱۶)، فرهنگی فارسی به ترکی است (نقوی ۱۳۴۱: ۲۷۴). البته حتی اگر این را هم نمی‌دانستیم، می‌توانستیم از نام کتاب دریابیم که به زبان عربی نیست، چه «عجم» را در چنین ترکیبی بایست با «ال» آورد.

شامل اللغة تألیف حسن بن حسین قراحصاری (یا قره حصاری) مورخ حدود ۹۱۰ ق — و به تصریح هدیه العارفین (بغدادی ۱۹۹۲: ۱/۲۹۰) نگاشته به سال ۹۴۷ ق — هم فرهنگی است فارسی به ترکی و منحصر به دستور زبان نیست، هر چند مقدمه‌ای که بر آن نوشته — یعنی «رسالة مشکل گشا» — در باره دستور زبان فارسی است (افشار ۱۳۳۳: ۳۷؛ نقوی، ۱۳۴۱: ۲۷۴) که آن نیز — چنان که از نامش هویداست — به زبان فارسی است. ناگفته نماند برخی فهرست‌نگاران قسم دوم این کتاب یا مؤخره آن را ویژه قواعد فارسی دانسته‌اند، اما به تصریح همانان آن هم به زبان ترکی است (دانش‌پژوه ۱۳۴۶: ۳۹).

تحفة شاهی، اثر ابراهیم بن صالح مغلوی متخلص به شاهی (۸۷۵ – ۹۵۷ ق) که منظومه‌ای درباره زبان فارسی است (بغدادی ۱۹۹۲: ۱/۲۷)، و در سال ۹۲۰ ق تألیف گردیده (صفا ۱۳۷۳: ۴/۱۱۶)، نیز چنان که از نامش پیداست، به زبان عربی نیست؛ وانگهی نام آن در فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس درج گردیده است (همان).

وسيلة المقاصد الی احسن المراد تألیف خطیب رستم المولوی که در سال ۹۰۳ ق تألیف شده، هم به زبان ترکی است (مینوی ۱۳۳۶: ۴۴۴)، و هم مربوط به واژه‌های فارسی است (حاجی خلیفه ۱۹۴۳: ۲۰۱۰)، و منحصرأ به دستور زبان فارسی نپرداخته است، هر چند با منظومه‌ای در بیان قواعد زبان فارسی آغاز شده است (صفا ۱۳۷۳: ۴/۱۱۶).

تحفة الهادی یا التحفة الهادیة تألیف محمد بن حاجی الیاس زبلی هم که در حدود سال یکهزار هجری تألیف شده، به زبان ترکی عثمانی است (مینوی ۱۳۳۶: ۴۴۴).

وانگهی چند فصل این کتاب شامل واژه‌های دستیاب فارسی و ترجمه آنها به ترکی است (افشار ۱۳۳۳: ۳۴؛ صفا ۱۳۷۳: ۵/ ۳۹۷).

تکملة الفارسی تألیف قطب علی (افشار ۱۳۳۳: ۳۸)، نیز علاوه بر آنکه معلوم نیست به زبان عربی باشد، چنان‌که خواهیم آورد، از برخی کتب حائز شرایط، مؤخر است. همچنین کتاب منهاج الطلب که در سال ۱۰۷۰ ق تألیف شده با توجه به نسخه آن، که در دست نگارندگان است، و به تصریح مصحح آن، به زبان فارسی است (زینبی ۱۳۵۸: یک).

اینک پس از حذف ده اثر از آثار پیش‌گفته، گزینش ما در هفت کتاب زیر منحصر می‌گردد که بحث خود را در باره آنها پی می‌گیریم:

۱. منطق الخرس فی لسان الفرس، ۲. حلیة الانسان فی حلیة اللسان، ۳. قواعد الفرس، ۴. المفاتیح الدریة فی اثبات القوانین الدریة، ۵. الأمثلة الفارسیة، ۶. نحو فارسی، ۷. رساله یائیه.

کتاب مُنطِقُ الخُرس فی لسان الفُرس تألیف ابو حیان محمد بن یوسف بن علی اندلسی (۶۵۴ - ۷۴۵ ق) — مشهور به ابو حیان نحوی — صاحب تفسیر البحر المحیط و کتاب ارتشاف الضرب است. وی خود در زندگینامه خودنوشتی که مورخ هم‌روزگارش، صفدی، گزارش کرده، به نگارش کتاب یاد شده تصریح کرده است (صفدی ۱۹۹۱: ۲۸۱؛ و نیز نگر: تلمسانی ۱۹۹۷: ۵۵۲)، اما نه خود او و نه هیچ یک از تراجم‌نگاران درباره محتوای کتاب سخنی نگفته‌اند و «نسخه این کتاب هم متأسفانه به نظر ما نرسیده است» (همایی ۱۳۲۲: ۳۸).

با این وصف، به نظر نگارندگان این سطور، کتاب یادشده در باره دستور زبان فارسی نیست؛ هر چند به تصریح استاد فقید همایی، ابو حیان آن را «به زبان عربی در قواعد زبان فارسی نوشته بوده» (همان) است؛ چه اولاً استاد همایی، چنان‌که خود نوشته، نسخه‌ای از کتاب را ندیده و تنها از روی اسم کتاب حدس زده است در باره دستور زبان فارسی باید باشد. ثانیاً در مأخذ مورد استناد وی — یعنی فوات الوفیات تألیف ابن شاکر کتبی — هم هیچ اشاره‌ای به محتوا و موضوع کتاب نشده است (کتبی ۱۹۷۴: ۷۹).

از سوی ابو حیان در باره زبان ترکی سه اثر داشته است: یکی به نام *الإدراک للسان الأترک*، دیگر *الأفعال فی لسان التترک*، و سوم *زهو الملک فی نحو التترک*. نیز در آثار او از دو کتاب ناتمام به نامهای *نور العیش فی لسان الحبش و المحبور فی لسان الیحمور* هم نام برده‌اند (صفدی ۱۹۹۱: ۲۸۱؛ و نیز نک: بغدادی ۱۹۹۲: ۱۵۲ / ۲ - ۱۵۳). حال به قرینه *لسان التترک و نحو التترک* در دنباله نام سه کتاب نخست، می‌توان گفت تعبیر «لسان» را برای لغتنامه (فرهنگ واژگان) — و نه دستور زبان — به کار برده است و اگر کتاب *منطق الخرس فی لسان الفرس* مربوط به نحو بود، بایست علی‌القاعده تعبیر «فی نحو الفرس» را به کار می‌برد. وانگهی تعبیر «لسان» در نام کتب، بیشتر در باره معاجم و گاه در باره علم‌اللغه به کار می‌رود، چنان که در نام کتاب مشهور ابن‌منظور یعنی *لسان العرب* می‌بینیم؛ و نیز بسیار مستبعد است که ابو حیان در چهار زبان فارسی، ترکی، حبشی و یحموری دستور زبان نگاشته باشد. به هر حال، این کتاب گرچه ظاهراً به زبان عربی است، به طور قطع فاقد ویژگی سوم، و به احتمال قوی فاقد ویژگی دوم است و از فهرست مورد نظر ما خارج می‌شود.

*حلیة الإنسان فی حلیة اللسان* تألیف ابن مهنا هم هر چند به زبان عربی، و در دسترس ماست، بنا به تصریح مصحح آن، هنوز قطعی نیست که از آن جمال‌الدین احمد بن علی بن الحسین بن علی بن مهنا بن عنبه (۷۴۸-۸۲۸ق)، عالم بزرگ شیعی و صاحب کتاب *عمدة الطالب فی أنساب آل أبي طالب*، باشد (صنیع ۱۳۷۱: ۳۶). ثانیاً این کتاب در قواعد سه زبان فارسی، ترکی و مغولی — و نه آن گونه که برخی پنداشته‌اند، عربی و ترکی و فارسی (همایی ۱۳۲۲: ۳۹) — نوشته شده است؛ بنابراین، مختص و منحصر به زبان فارسی نیست، هر چند بخش مستقلی از آن (قسم اول از صفحه ۴ تا ۶۹) به دستور زبان فارسی اختصاص یافته است (صنیع ۱۳۷۱: ۳۶).

*المفاتیح الدرّیة فی اثبات القوانین الدرّیة* تألیف مصطفی بن ابی بکر سیواسی، متخلص به «حیرت»، نیز هر چند به تصریح فهرست‌نگاران نسخ خطی هم به زبان عربی است و هم به دستور زبان فارسی اختصاص یافته و هم در دسترس است (حسینی اشکوری ۱۳۶۵: ۴ / ۲۹۶؛ منزوی ۱۳۵۰: ۳ / ۲۰۷۸؛ سبحانی و آق‌سو ۱۳۷۴: ۲۶۵، ۴۹۷)، اما به تصریح استاد مجتبی مینوی از *قواعد الفرس* متأخر است (مینوی ۱۳۳۶:

(۴۴۴). در تأیید نظر استاد مینوی، می‌افزاییم که طبق تصریح *هدیه‌العارفین* ذیل «حیرت الرومی» وی در سال ۱۲۴۰ق در مصر وفات کرده است (بغدادی ۱۹۹۲: ۲/ ۱۸۵، ۱/ ۶۰۲؛ و نیز نک: کحاله ۱۹۵۷: ۱۲/ ۲۴۴). ناگفته نماند برخی به خطا زبان کتاب را ترکی گزارده‌اند (مهیار ۱۳۷۶: ۱۱).

رسالة الأمثلة الفارسیة از مؤلف گمنام هم هر چند به تصریح استاد مینوی (۱۳۳۶: ۴۴۴)، به زبان عربی است، بر اساس گزارش یکی از فهرست‌نگاران از آغاز آن، ظاهراً به زبان فارسی نگاشته شده است (سبحانی و آق‌سو ۱۳۷۴: ۴۹۷). نیز قدیم‌ترین نسخه‌ای که از آن در دست است، مورّخ ۹۵۸ هجری است و به نظر مینوی این اثر هم از قواعد الفرس متأخر است (مینوی ۱۳۳۶: ۴۴۴).

نحو فارسی تألیف ابراهیم‌بن احمد هم قدیم‌ترین اطلاعی که از آن در دسترس است، نسخه‌ای است به زبان عربی مورّخ سال ۹۵۷ق که به نظر مینوی رسیده است (افشار ۱۳۳۳: ۲۹ و ۴۴). گفتنی است، آنچه از یادداشت‌های مینوی در خصوص دستور زبانهای کهن فارسی نقل شد — یعنی «رسالة مشکل‌گشا، و کتابهای نحو فارسی، وسیلة المقاصد، تحفة الهادی و نیز تکملة الفارسی — ظاهراً هیچ کدام مقدم بر قواعد الفرس نیست، چه ایشان به صراحت، کتاب قواعد الفرس را قدیم‌ترین اثر در این باره دانسته است (مینوی ۱۳۳۶: ۴۴۳).

از مجموع این بررسی نتیجه می‌گیریم که تنها قواعد الفرس و رسالة یائیه تألیف ابن کمال پاشا برای داوری نهایی باقی می‌ماند. می‌افزاییم که در فهرس المخطوطات الفارسیة، کتابی هم به نام قواعد فارسیة در صرف فارسی به ابن کمال پاشا نسبت داده شده (طرازی ۱۹۶۷: ۲/ ۴۹) که آن هم در این داوری باید مورد لحاظ قرار بگیرد. نیز در مجلد هفدهم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران رساله‌ای با عنوان قواعد کلیة فی الفرس لابن کمال پاشا گزارش شده (دانش‌پژوه ۱۳۶۴: ۳۸۲، ش ۲۰) که این هم باید مورد توجه قرار گیرد.

اکنون می‌گوییم از این چهار اثر منسوب به ابن کمال پاشا، اولاً رسالة یائیه هر چند در شرح گونه‌های «یاء» زائدی است که در پایان واژه‌های فارسی می‌آید (صفا ۱۳۷۳: ۵/ ۳۹۶)، بر اساس گزارش فهرست‌نگاران از آغاز یکی از نسخه‌های آن، این



کتاب به زبان ترکی است (طرازی ۱۹۶۷: ۲/ ۲۷۷؛ فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة: ۲/ ۲۸۶، ش ۲۶۹۷).

کتاب قواعد فارسیه هم اولاً در انتساب آن به کمال پاشا زاده تردید است چه، بر اساس گزارش یکی از فهارس نسخ خطی، به مؤلفی به نام محیی‌الدین تعلق دارد و فهرست‌نگار در پانوشت آورده که شاید وی محیی‌الدین الگلشنی باشد و ممکن هم است این رساله از آثار ابن کمال پاشا باشد (همان: ۲/ ۲۴۶، ش ۲۵۲۲)؛ ثانیاً بر اساس گزارش فهرست‌نگاران، این کتاب به زبان عربی و ترکی نوشته شده است (همان، همانجا؛ نیز نک: طرازی ۱۹۶۷: ۲/ ۴۹).

رسالة قواعد کلیة فی الفرس لابن کمال پاشا نیز بر فرض صحت انتساب آن به کمال پاشا زاده، به گواهی تصویر آن که در اختیار نگارندگان این سطور است، به زبان ترکی نگاشته است. گفتنی است دست‌نویسی از این رساله با نام «قواعد فرس» بدون انتساب به ابن کمال پاشا در ضمن مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی یکی از کتابخانه‌های رومانی گزارش شده است (صوتی ۱۳۶۰: ۹۵۸ - ۹۵۹؛ نیز نک: منزوی ۱۳۷۰: ۲۸۶۹).

تنها نکته‌ای که می‌ماند آن است که مآخذ ابن کمال پاشا در تألیف قواعد/الفرس علی القاعده بر آن تقدم دارد. می‌گوییم وی خود در ضمن مباحث دستوری از دو کتاب تاج الرؤوس و مفتاح الادب نام برده است (ابن کمال پاشا، قواعد/الفرس، گ ۲۱۱ پ). چنان که گذشت تاج الرؤوس به زبان فارسی است. مفتاح الادب هم به تصریح ایضاح المکنون، تألیف یکی از علمای هند — به نام مظهر بن ابی طالب لاذقی — و به زبان فارسی است (بغدادی ۱۹۴۷: ۵۲۲؛ نیز نک: حاجی خلیفه، کشف‌الظنون: ۱۷۵۸).

بنا بر این قدیم‌ترین دستور زبان فارسی مستقلی که به زبان عربی نگاشته‌اند و به دست ما رسیده، همان قواعد/الفرس منسوب به کمال پاشا زاده است.

### کدام کمال پاشا؟

چنان که گذشت، نویسنده قواعد/الفرس، کمال پاشا زاده یا ابن کمال پاشا (درگذشته به سال ۹۴۰ ق) است که گاه با نام ابن کمال یا احمد افندی نیز یاد شده است. نام کامل او «شمس‌الدین احمد بن سلیمان بن کمال پاشا الرومی الحنفی التوقادی الأصل

ثم الاستانبولی العثماني» است (برای تفصیل شرح حال و آثار وی، نک: ابن کمال پاشا، *اسرارالنحو*: ۵-۲۰؛ بروکلیمان ۱۹۹۵: ۴۲۶-۴۴۵؛ بغدادی ۱۹۹۲: ۱/۱۴۱؛ دهخدا ۱۳۷۲: ذیل «احمد»؛ زرکلی ۲۰۰۵: ۱/۱۳۳؛ زیدان ۱۹۸۳: ۲/۳۴۵؛ کحاله ۱۹۵۷: ۱/۲۳۸؛ مدرس ۱۳۷۴: ۱/۱۷۱؛ مشار ۱۳۴۰: ۴۴۶؛ فلوگل ۱۸۶۷: ۱/۲۱۵-۲۲۳، یادداشت ۱۷۹۱).

بنا بر این «کمال پاشا» نام و عنوان جدّ نویسنده است، هر چند در نام نویسنده نقشی کلیدی ایفا می‌کند و همین ممکن است باعث اشتباه پژوهشگران شود. ناگفته نماند «پاشا» - که در مکتوبات عربی غالباً با حرف «ب» ضبط می‌شود - مخفف «پادشاه»، و در تداول ترکان عثمانی عنوان یکی از مراتب کشوری و لشکری است. سلاطین عثمانی به انتقام از پادشاهان صفویه که واژه «سلطان» را به تحقیر بر صاحب‌منصبان خود اطلاق می‌کردند، عنوان «پاشا» را به زیردستان خود دادند (معین ۱۳۷۵: ذیل «پاشا»).

نکته دیگر که هم می‌تواند به اشتباه جستجوگران منجر شود و هم در بازشناسی ابن کمال پاشا از هم‌نامان خود کمک کند، مفتی بودن اوست. وی قاضی عسکر و شیخ الاسلام عثمانی بوده است. به هر حال در این جا از چند شخصیت دیگر با نامهای مشابه یا نزدیک یاد می‌کنیم و موارد مشابهت را مشخص می‌سازیم.

۱. احمد بن خضر بک بن قاضی جلال‌الدین بن صدرالدین ابراهیم القسطنطین الرومی الحنفی - مشهور به مفتی احمد پاشا - در گذشته به سال ۹۲۷ق، و صاحب آثاری چند است (بغدادی ۱۹۹۲: ۱/۱۳۹).

۲. احمد کمال پاشا استانبولی یکی از وزرا و ادبای عثمانی بوده که در سال ۱۳۰۴ق در گذشته است. به ادب فارسی وقوف کامل داشته و از وی آثاری بر جای مانده است (همان: ۲/۱۹۱؛ و نیز نک: سبحانی و آق سو ۱۳۷۴: ۶۸۶).

۳. احمد پاشا بن محمد الطیب الرومی پزشک معتمد نیروهای نظامی بوده، در سال ۱۳۰۵ق در گذشته و کتابی در طب هم از او به چاپ رسیده است (بغدادی ۱۹۹۲: ۲/۱۹۲).

۴. کمال پاشا (اسماعیل کمال پاشا ابن الوزير وجیهی پاشا الرومی الحنفی) در گذشته به سال ۱۳۱۰ق که صاحب آثاری چند به زبان عربی است (همان: ۱/۲۲۳).

۵. احمد کمال پاشا (احمد کمال بن حسن بن احمد) دانشمند باستانشناس که از نوایغ مصر (۱۲۶۷ - ۱۳۴۱ق) بوده، چندین زبان می‌دانسته و کتب و مقالات بسیاری از او منتشر گردیده است (زرکلی ۲۰۰۵: ۱/۱۹۹).  
یادآور می‌شویم عبارت «احمد پاشا» در نام کامل افراد دیگری هم هست که چون موارد افتراق نام و ویژگیهای آنان با ابن کمال پاشا بسیار است، به ایشان نمی‌پردازیم.

### کدام قواعد الفرس؟

پیش از آنکه به بحث در باره قواعد الفرس مورد نظر این مقال، و نویسنده آن بپردازیم، لازم است بدانیم که چندین اثر به همین نام در کتب فهارس — به ویژه در فهرستهای نسخ خطی — گزارش شده است:

۱. قواعد الفرس. رساله‌ای است در دستور زبان فارسی به زبان عربی از مؤلفی مجهول که در ضمن مجموعه شماره ۴۶۴۱ کتابخانه آیت‌الله مرعشی به عنوان نهمین رساله (۱۲۳ پ - ۱۲۷ ر) قرار گرفته است. این نسخه به خط نسخ در سال ۱۱۸۶ ق کتابت شده است (حسینی اشکوری ۱۳۶۵: ۱۲/۲۰۸ - ۲۱۲). در این رساله دستور زبان فارسی با سربندهای «قاعده» بیان گردیده است. رساله با عبارات «الحمد لله ... اعلم أن علامة المصدر فی الفارسی کون آخره نوناً ساکنه و ما قبلها دالاً أو تاء» آغاز می‌شود و با عبارت «أمر حاضر: کن کنید، نهی حاضر: مکن مکنید» به انجام می‌رسد (همان: ۱۲/۲۱۱؛ نیز نک: منزوی ۱۳۷۰: ۲۸۶۹).

۲. قواعد الفرس. رساله‌ای است در دستور زبان فارسی تألیف حاجی علی پندی (درگذشته پس از ۱۱۱۰ ق / ۱۶۹۸/۹۹ م) که در ضمن مجموعه پیش‌گفته به عنوان دهمین رساله (۱۲۷ پ - ۱۶۲ پ) قرار گرفته است. مؤلف «دستور زبان فارسی را در چند جدول مشتمل بر سه باب، و هر باب دارای چند فصل، به نام وزیر احمد پاشا به سال ۱۱۱۰ هجری ترتیب داده است» (حسینی اشکوری ۱۳۶۵: ۱۲/۲۱۱). اگر چه فهرست‌نگاران، زبان رساله را ترکی عثمانی گزارده‌اند (همان: همانجا؛ و نیز نک: متقی ۱۳۸۱: ش ۱۵۴)، به گزارش تفصیلی یکی از آنان، آغاز رساله (جواهر صیغ و حروف حمد بسیار، و زواهر معانی و ظروف ثنای بیشمار)

به زبان فارسی، و فهرست ابواب (الباب الأول فی الصیغ المختلفة والمطرده؛ الباب الثانی فی المضمرات و الموصولات و أسماء الإشارات والظروف؛ الباب الثالث فی الحروف)، و انجامة آن (وعلى آله وأصحابه الكرام، والتابعين والمجاهدين إلى يوم القيام) به زبان عربی است (حسینی اشکوری ۱۳۶۵: ۱۲/ ۲۱۱ و ۲۱۲؛ نیز نک: منزوی ۱۳۷۰: ۲۸۶۹).

نسخه دیگری از این رساله در دار الکتب قاهره هست که فهرست‌نگار آن را «رسالة فی اللغة الفارسیة (مشروحة بالعربیة)» عنوان داده است. بر اساس گزارش همو، در پشت برگ نخست رساله آمده است: «رساله فارسی محی‌الدین خلیفه مرحوم». این نسخه به خط محمدبن اویس النکساری در محرم سال ۹۹۷ ق کتابت شده است (طرازی ۱۹۶۷: ۲۵۲/۱).

۳. قواعد فرس. رساله‌ای است به زبان ترکی که در سال ۱۱۲۴ ق کتابت شده است. این رساله در ضمن مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی کتابخانه‌های رومانی گزارده شده است (صوتی ۱۳۶۰: ۹۵۸ - ۹۵۹؛ نیز نک: منزوی ۱۳۷۰: ۲۸۶۹). این رساله — چنان که گذشت — با نام «قواعد کلیة فی الفرس» منسوب به ابن کمال پاشا در طی مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (دانش‌پژوه ۱۳۶۴: ۳۸۲، ش ۲۰)، و نسخه‌ای از آن در اختیار نگارندگان این سطور است.

۴. قواعد الفرس. آن را از آثار حاکم الرومی (محمد حاکم بن خلیل الرومی الشریف الحنفی) در گذشته به سال ۱۱۸۵ ق برشمرده‌اند (بغدادی ۱۹۹۲: ۲ / ۳۳۹). ظاهراً تا کنون نسخه‌ای از این اثر در فهرست‌های نسخه‌های خطی معرفی نشده است و شاید قواعد الفرس پیش‌گفته (در شماره ۳) نسخه‌ای از همین کتاب یا رساله باشد. گفتنی است، برخی فهرست‌نگاران نسخه‌ای از قواعد الفرس ابن کمال پاشا را با تعبیر «گویا» به همین محمد حاکم رومی منسوب داشته‌اند (دانش‌پژوه و افشار ۱۳۴۴: ۳۰۸، ش ۳۴۷؛ و نیز نک: منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵).

ناگفته نماند، دست‌نویسی به زبان ترکی به نام قواعد الفرس در مجموعه‌ای همراه با چند رساله دیگر — از جمله لغت شاهی — در میان مجموعه نسخ خطی آرتور کریستنسن گزارش شده که در کتابخانه سلطنتی کپنهاگ نگهداری می‌شود (افشار ۱۳۴۶: ۷۰۴). این تمام اطلاعاتی است که از این دست‌نویس داریم و بدین رو به

درستی نمی‌دانیم آیا دست‌نویسی از یکی از دو *قواعد الفرس* پیش‌گفته (بند ۳ و ۴) است یا نسخه جداگانه‌ای به شمار می‌رود.

اما مقصود ما در این مقاله رساله‌ای است به زبان عربی که با نام *قواعد الفرس*، یا *رسالة فی قواعد الفرس* (سیدیونسی ۱۳۵۰: ۲/ ۷۷۰)، یا *اساس الفرس* (مینوی ۱۳۳۶: ۴۴۴)، یا *قواعد فارسی* (سیحانی و آق‌سو ۱۳۷۴: ۲۶۵) یاد شده است و بعد از بسمله با عبارت «الحمد لله الذی منحنی من تواتر نعمائه تدوین قواعد الفرس» آغاز می‌شود. این رساله به کمال پاشازاده یا همان ابن کمال پاشا (شمس‌الدین احمد بن سلیمان بن کمال) دانشمند ادیب ترک در گذشته به سال ۹۴۰ ق منسوب است.

در پایان این بخش یادآور می‌شویم، در برخی فهرس از *قواعد فرس* تألیف مولانا احمد افندی یاد شده (دانش‌پژوه ۱۳۶۰: ۵۵۱) که این اثر — چنان که صاحب *الذریعه* هم تصریح کرده — همان *قواعد الفرس* تألیف احمد کمال پاشازاده است (آقابزرگ طهرانی ۱۹۸۳: ۱۷/ ۱۸۷).

#### انتساب قواعد الفرس به ابن کمال پاشا

بسیاری از تراجم‌نگاران در شرح احوال و آثار ابن کمال پاشا نامی از *قواعد الفرس* نبرده‌اند. این موضوع ممکن است محققان را در انتساب این اثر بدو دچار تردید سازد. در باره صحت این انتساب مؤیدات و قراینی هست که با مقدماتی بیان خواهیم کرد.

۱. علاقه و اهتمام ابن کمال پاشا به زبان فارسی و مهارت او در این زبان، قابل انکار نیست. او رساله‌ای به زبان عربی در برتری زبان فارسی بر همه زبانها بجز زبان عربی (*مزیه اللسان الفارسی علی سائر الالسنه ما خلا العربی*) نوشته که به تحقیق دانشمند فقیه عراقی، حسین علی محفوظ، به چاپ رسیده است (ابن کمال پاشا ۱۳۳۲). نیز برخی دیگر از آثار عربی او — از جمله *رسالة فی الکلمات المعربیه*، *رسالة فی تحقیق تعریب الکلمه الأعجمیه*، *رسالة فی تصحیح لفظ الزندیق و تحقیق معناه الدقیق*، *رسالة فی ایضاح معنی السراب واللال* — و دو اثر ترکی‌اش، *دقایق الحقایق* در تحقیق برخی از واژه‌های فارسی و کاربرد آنها در متون ادبی، و

- رسالة یائیه که ذکر آن گذشت (قره بلوط: ۱ / ۲۵۲ - ۲۶۸)، همه نمایانگر توجه ویژه او به زبان فارسی است (نیز نک: صفا ۱۳۷۳: ۵ / ۳۹۶).
۲. ابن کمال پاشا به زبان فارسی و ادب تسلط کامل دارد. وی نویسنده پرکار و پراثری به شمار است که بیش از سیصد تألیف به زبانهای عربی، ترکی و فارسی برای او برشمرده‌اند و از این میان انتساب یکی دو اثر فارسی بدو قطعی است: یکی نگارستان که آن را به تقلید از گلستان نگاشته است و دیگر محیط اللغة است که لغتنامه‌ای عربی به فارسی است (حاجی خلیفه، کشف‌الظنون: ۱۶۲۱؛ بغدادی ۱۹۹۲: ۱ / ۱۴۲). نیز رساله‌ای در «شرح یک بیت ابی سعید بن ابی الخیر» به او منسوب است (همان: ۱ / ۲۷۳ - ۲۷۶).
۳. در اینکه ابن کمال پاشا در باره دستور زبان فارسی تأملاتی داشته و برخی از آنها را نگاشته هم شکی نیست. پیشتر از رسالة یائیه وی سخن گفتیم که در باره انواع یاء در زبان فارسی است. نیز میرزا حسن شعوری حلبی (درگذشته ۱۱۰۵ق)، صاحب لسان العجم یا فرهنگ شعوری، در ضمن بحث از صفت فاعلی در زبان فارسی، نظر ابن کمال پاشا را در این باره گزارده، و البته نگفته که از کدام اثر وی نقل کرده است (صنیع ۱۳۷۱: ۲۴۷).
۴. احمد تیمور پاشا مالک مجموعه بزرگی از مخطوطات ترکیه، در حاشیه یکی از نسخ قواعد الفرس، آن را به ابن کمال پاشا منسوب کرده است (طرازی ۱۹۶۷: ۲ / ۵۰، پانوش). طرازی فهرست‌نگار مخطوطات فارسی دارالکتب قاهره، از نسخه رساله‌ای به نام قواعد فارسیه یاد می‌کند که به تصریح همو اثر ابن کمال پاشاست و در صرف فارسی و به زبان عربی و ترکی نگاشته شده و آغاز آن چنین است: «الحمد لله الذی زین بنی آدم بالنطق والکلام» (همان: ۲ / ۴۹، ش ۱۷۴۸). فهرست‌نگار نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نیز نسخه‌ای را به نام قواعد کلیه فی الفرس لابن کمال پاشا می‌گزارد (دانش‌پژوه ۱۳۶۴: ۳۸۲). چنان که گذشت، این اثر به زبان ترکی است. این سه گزارش اجمالاً اثبات می‌کند ابن کمال پاشا اثری مستقل در باره دستور زبان فارسی داشته و کلمه «قواعد» هم جزء نام آن بوده است.

۵. فهرست‌نگاران بزرگی — اعم از عربی‌زبانان و ایرانیان و مستشرقان — همچون کارل بروکلیمان (بروکلیمان ۱۹۹۵: ۴۴۰)، گردآورنده فهرست عمومی مخطوطات عربی کتابخانه ملی پاریس (وایدا ۱۹۵۳: ۵۵۸)، صاحب *التدریج* (آقابزرگ طهرانی ۱۹۸۳: ۱۷/۱۸۷)، نصرالله مبشر الطرازی (طرازی ۱۹۶۷: ۵۰/۲)، فؤاد السید (سید ۱۹۶۲: ۲۲۲)، احمد منزوی (منزوی ۱۳۷۰: ۲۴۵۹)، و اخیراً فراهم آورندگان *معجم تاریخ التراث الإسلامی فی مکتبات العالم* (قره‌بلوط و قره‌بلوط: ۱/۲۷۵ ش ۲۹۳)، *قواعد الفرس* یا نسخه‌های آن را به این کمال پاشا منسوب کرده‌اند، هرچند ممکن است این انتساب در نگاه برخی از آنان در نهایت به نظرگاه پیش‌گفته احمد تیمور پاشا مستند باشد.

۶. برخی از پژوهشگران تاریخ زبان فارسی هم این اثر را از ابن کمال پاشا دانسته‌اند. نویسندگان غیر ایرانی مقاله‌های «کمال پاشازاده در جایگاه یک زبان‌شناس» (ژرمیاس ۱۳۸۶: ۱۱۷)، و «دستورنویسی در دوره تنظیمات» (صاوی ۱۳۵۵: ۲۸۸) از این جمله‌اند.

۷. یکی از نسخه‌های *قواعد الفرس* مورخ ۹۳۷ق (فلوگل ۱۸۶۵: ۱/۲۱۶، ش ۱۹۶)، و یکی به تاریخ ۹۳۸ق (سیدیونسی ۱۳۵۰: ۷۷۰)، و یکی دیگر به تاریخ ۹۶۱ق (بهادر ۱۳۵۷: ۳۹۵) است. از سویی، تاریخ زندگی هیچ یک از کسانی که در فهرستها اثری با نام *قواعد الفرس* به آنان منتسب گشته — بجز ابن کمال پاشا (۸۷۳ - ۹۴۰ق) — با این تاریخها یا پیش از آنها سازگار نیست.

۸. در پایان یکی از دست‌نویسهای *قواعد الفرس*، طی یادداشتی، عبارت «قواعد الفرس لابن الکمال» به چشم می‌خورد (ابن کمال پاشا، *قواعد الفرس*، گ ۲۱۵ پ). در دنباله همین یادداشت آمده است که کمال پاشازاده این رساله را به گونه‌ای معمایی تاریخ زده است: «تمّ الكتاب بعون الملك الوهاب فی یوم الجمعة وهو العُشر التاسع من الثلث الثانی من السدس الثانی من النصف الاول من العشر السادس من العشر الثالث من العشر العاشر من الهجرة النبویة الهالیة أرخ کتابه بهذا التاريخ قدوةً المحققین ابن کمال باشا...» (همانجا). بدین رو تاریخ دقیق تألیف رساله هم معلوم می‌شود: روز جمعه نوزدهم صفر سال ۹۲۶ هجری قمری.

۹. قواعد/الفرس مورد نظر ما تاکنون به هیچ‌کس، جز ابن کمال پاشا، منسوب نشده است. تنها یکی دو تن فهرست‌نگار نسخ خطی با تعبیر «گویا» احتمال داده‌اند یکی از دست‌نویسهای قواعد/الفرس از آن محمد حاکم رومی در گذشته ۱۱۸۵ ق باشد (دانش‌پژوه و افشار ۱۳۴۴: ۳۰۸، ش ۳۴۷). این موضوع عیناً در گزارش فهرست‌نگار دیگری هم آمده است (منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶۹)، اما همو بعداً در جایی دیگر به نگاشتن قواعد/الفرس توسط ابن کمال پاشا تصریح کرده است (منزوی ۱۳۷۰: ۲۴۵۹). به هر حال این احتمال — چنان‌که در بند پیشین گذشت — به علت ناسازگاری تاریخی، احتمال نادرستی است.

۱۰. ابن کمال پاشا به کثرت تألیف در زمینه‌های گوناگون شهره است. تألیفاتش را بیش از سیصد اثر بر می‌شمارند و او را در این باره با هم‌روزگار مصری‌اش — سیوطی — مقایسه می‌کنند (لکنوی هندی ۱۳۲۴: ۲۲). بنا بر این طبیعی است که تراجم‌نگاران، بسیاری از آثار او را گزارش نکنند، چنان‌که در خصوص سیوطی نیز همه آثارش در یک کتاب شرح حال گردآوری نشده است.

با این قرائن و شواهد، رساله قواعد/الفرس به ظن قریب به یقین نگاشته ابن کمال پاشاست.

#### گزارش دست‌نویس‌های قواعد/الفرس

از رساله قواعد/الفرس، نسخه‌های خطی بسیاری در کتابخانه‌های جهان گزارش شده است که شماری از آنها را — در حد دسترسی — در اینجا یاد می‌کنیم:

۱. نسخه کتابخانه ملی تبریز. این رساله دست‌نویس با عنوان رساله فی قواعد/الفرس به تاریخ ۹۳۸ ق، همراه با هشت رساله دیگر در مجموعه‌ای به شماره ۳۵۷۲ گزارش شده (سیدیونسی ۱۳۵۰: ۷۷۰ - ۷۷۱، ردیف ش ۷۴۲؛ دانش‌پژوه و افشار ۱۳۴۴: ۳۰۸، ش ۳۴۷؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶۹)، و تصویری از آن در اختیار نگارندگان این سطور است.

۲. نسخه کتابخانه آصفیه. دست‌نویسی است به شماره «۱۹۷/ فن لغت» که در سال ۹۶۱ ق نگاشته شده است (بهادر ۱۳۵۷: ۳۹۴ - ۳۹۵؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۷۰).



۳. نسخه اول دارالکتب قاهره. سومین رساله مجموعه‌ای است بی تاریخ به شماره «۲۲ / لغة فارسی» (طرازی ۱۹۶۷: ۵۰ / ۲، ش ۱۷۵۲؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶؛ فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة: ۲۶۸ / ۳، ش ۳۹۲۶).
۴. نسخه دوم دارالکتب قاهره. رساله نخست مجموعه‌ای است به شماره «۷ / مجامیع فارسی» که به خط سید رحمة‌الله بن سید محمد بن سید بلال قریمی در تاریخهای ۱۰۸۸ و ۱۰۹۳ ق کتابت شده است (طرازی ۱۹۶۷: ۵۰ / ۲، ش ۱۷۵۳؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶۲؛ فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة: ۲۶۷ / ۳، ش ۳۹۲۲).
۵. نسخه سوم دارالکتب قاهره. در ضمن مجموعه شماره «۲۰ / مجامیع فارسی» قرار گرفته و به خط سلیمان بن عبدالله اسماعیلی در تاریخ ۱۲۸۲ ق کتابت شده است (طرازی ۱۹۶۷: ۵۰ / ۲ - ۵۱، ش ۱۷۵۴؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶۵؛ فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة: ۲۶۸ / ۳، ش ۳۹۲۵).
۶. نسخه چهارم دارالکتب قاهره. رساله نخست مجموعه‌ای است به شماره «۷ / مجامیع فارسی طلعت» که تاریخ ندارد (طرازی ۱۹۶۷: ۵۱ / ۲، ش ۱۷۵۵؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶۷؛ فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة: ۲۶۸ / ۳، ش ۳۹۲۷).
۷. نسخه پنجم دارالکتب قاهره. رساله سوم مجموعه‌ای است به شماره «۷۲ / مجامیع ترکی طلعت» که رساله اول و دوم آن در سال ۱۱۵۰ ق کتابت شده است (طرازی ۱۹۶۷: ۵۱ / ۲، ش ۱۷۵۶؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶۴؛ فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة: ۲۶۸ / ۳، ش ۳۹۲۴).
۸. نسخه ششم دارالکتب قاهره. در ضمن مجموعه شماره «۷۶۶ / مجامیع طلعت» قرار گرفته و در سال ۱۰۴۳ ق کتابت شده است (طرازی ۱۹۶۷: ۵۱ / ۲، ش ۱۷۵۷؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶۱؛ فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة: ۲۶۷ / ۳، ش ۳۹۲۱؛ قره‌بلوط و قره‌بلوط: ۲۷۵ / ۱).
۹. نسخه هفتم دارالکتب قاهره. رساله نخست مجموعه‌ای است به شماره «۸ / لغة ترکی قوله» که تاریخ ندارد (طرازی ۱۹۶۷: ۵۱ / ۲، ش ۱۷۵۸؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶۸؛ فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة: ۲۶۸ / ۳، ش ۳۹۲۸).

۱۰. نسخه هشتم دارالکتب قاهره. در ضمن مجموعه شماره «۱۲۶ / مجامیع تیمور» قرار گرفته و در سال ۱۱۲۳ق به خط محمودبن علی بن مصلح‌الدین کتابت شده است (طرازی ۱۹۶۷: ۲/ ۵۱، ش ۱۷۵۹؛ منزوی ۱۳۵۰: ۲۰۷۵، ش ۱۹۹۶۳؛ فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة: ۳/ ۲۶۸، ش ۳۹۲۳؛ قره‌بلوط و قره‌بلوط: ۱/ ۲۷۵).
۱۱. نسخه نهم دارالکتب قاهره. دست‌نویسی است به خط حاج عبدالمحسن بکری به تاریخ ۱۲۴۵ق که با شماره «۵۵۸۰ هـ» ثبت شده است (سید ۱۹۶۲: ۲/ ۲۲۲؛ قره‌بلوط و قره‌بلوط: ۱/ ۲۷۵).
۱۲. نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول. با نام «قواعد فارسی» رساله دوم مجموعه‌ای است به شماره IÜK.FY.۵۷۷ که در سال ۱۲۷۶ق به خط عمر بن عبدالرحمن کتابت شده است (سبحانی و آق‌سو ۱۳۷۴: ۲۶۵).
- ۱۳ و ۱۴. نسخه‌های کتابخانه دانشگاه لس‌آنجلس. یکی دست‌نویسی است به خط سید محمدسعید فرضی فرائضی‌زاده بروسوی، مورخ ۱۲۳۸ق، به نام قواعد فرس که فهرست‌نگار، مؤلف آن را با نام مولانا احمد افندی یاد کرده است. این نسخه پنجمین رساله مجموعه شماره S ۵۹۰ است (دانش‌پژوه ۱۳۶۰: ۵۵۰ - ۵۵۱). دیگری به نام رساله فی قواعد الفرس شانزدهمین رساله مجموعه شماره ۱۶۳ D است (همان: ۵۸۵ - ۵۸۶).
۱۵. نسخه کتابخانه سلطنتی برلین. دومین رساله مجموعه‌ای است به شماره ۶۸۴۸ که پیش از سال ۱۶۹۲ م کتابت شده است (آلوارت ۱۸۹۴: ۱۹۷/۶؛ منزوی ۱۳۷۰: ۲۸۶۹؛ ژرمیاس ۱۳۸۶: ۱۲۲، پانوش ۲۱).
۱۶. نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد. در ضمن مجموعه‌ای به شماره «۱۶۸۰» قرار گرفته است (بیستن ۱۹۵۴: ۱۶۵۱/۲؛ منزوی ۱۳۷۰: ۲۸۶۹؛ ژرمیاس ۱۳۸۶: ۱۲۲، پانوش ۲۱).
۱۷. نسخه کتابخانه ملی پاریس. دوازدهمین رساله مجموعه‌ای است به شماره ۱۲۸۶ که در سال ۱۰۷۸ ق به خط عثمان بن عبدالرحمن کتابت شده است (دراسلین ۱۸۸۳-۱۸۹۳: ۲۴۵/۱، ش ۱۲۸۶). تصویری از این دست‌نویس در اختیار نگارندگان این سطور است.

۱۸. نسخه کتابخانه دانشگاه کویت. دست‌نویسی است به شماره ۷۸۱ که در سال ۱۱۶۲ ق کتابت شده است (فهرست المخطوطات الاصلية ۲۰۰۳: ۲/ ۱۳۵۷). تصویری از این نسخه در اختیار نگارندگان این سطور است.

۱۹. نسخه کتابخانه عمومی سلیمانیة استانبول. دست‌نویسی است در ضمن مجموعه‌ای به شماره «۲۹۷ / حفید افندی» که در سال ۱۱۰۸ ق کتابت شده است (ژرمیاس ۱۳۸۶: ۱۲۲، پانوش ۲۱).

۲۰. نسخه کتابخانه سلطنتی اتریش. نخستین رساله مجموعه‌ای است به شماره ۷۸ که در سال ۹۳۷ ق کتابت شده است (فلوگل ۱۸۶۵: ۱۹۶/۱، ش ۲۱۶؛ منزوی ۱۳۷۰: ۲۸۶۹).

دست‌نویسهای دیگری هم مربوط به کتابخانه‌های ترکیه و برلین و پاریس و ایتالیا گزارش شده است که چون مستقیماً به فهرستهای آنها دست نیافتیم و یا اطلاعات تفصیلی در باره نسخه‌ها نداشتیم، از ذکر آنها صرف‌نظر می‌کنیم (نک: افشار ۱۳۴۶: ۶۷۷؛ صاوی ۱۳۵۵: ۲۹۴، پانوش ۱: ژرمیاس ۱۳۸۶: ۱۲۲، پانوش ۲۱؛ بروکلیمان ۱۹۹۵: ۴۴۰، ش ۱۰۸؛ جول ۲۰۰۳: ۱۹۸؛ قره‌بلوط و قره‌بلوط: ۱/ ۲۷۵).

### نتیجه‌گیری

- قدیم‌ترین دستور زبان فارسی مستقلی که به زبان عربی نگاشته‌اند و به دست ما رسیده، قواعدالفرس منسوب به کمال پاشازاده است.
- با توجه به قراین و مؤیداتی که برشمردیم - به ظن قریب به یقین - قواعدالفرس تألیف ابن کمال پاشاست.
- رساله قواعدالفرس از همان زمان تألیف از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است چه، تاکنون دو دست‌نویس آن را که در زمان حیات مؤلف اسنساخ شده، شناسایی کرده‌ایم. نیز وجود نسخه‌های بسیار - مورخ به تاریخهای گوناگون - در کتابخانه‌های جهان نشان می‌دهد این رساله در طی چهار سده (دهم تا سیزدهم) به کرات رونویسی شده و در میان دانشوران فارسی‌دوست یا فارسی‌پزوه دست به دست می‌گردیده است.

## منابع

- آقابرگ طهرانی، محمد محسن، ۱۹۸۳م/ ۱۴۰۳ق، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، ۲۶ ج (در ۲۹ مج)، ج ۳، بیروت.
- ابن کمال پاشا، احمد بن سلیمان، [بی تا]، *اسرار النحو*، تحقیق احمد حسن حامد، عمان.
- ابن کمال پاشا، احمد بن سلیمان، ۱۳۳۲، *رسالة مزیة للسان الفارسی علی سائر الألسنة ما خلا العریبة*، حققها وأكملها وأصلحها وعارضها بالمراجع وعلّق علیها وعنّی بنشره حسین علی محفوظ، تهران.
- ابن کمال پاشا، احمد بن سلیمان، ۱۰۷۸ق، *قواعد الفرس*، دست‌نویس ش ۱۲۸۶ کتابخانه ملی پاریس.
- افشار، ایرج، ۱۳۳۳، «کتابشناسی دستور زبان فارسی»، فرهنگ ایران زمین. ج ۲، ص ۱۹ - ۴۴.
- افشار، ایرج، ۱۳۴۶ الف، «نسخه‌های خطی فارسی تازه در کتابخانه ملی پاریس»، نسخه‌های خطی، (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)، زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. تهران، دفتر پنجم، ص ۶۷۴ - ۶۷۸.
- افشار، ایرج، ۱۳۴۶ ب، «نسخ خطی فارسی کتابخانه سلطنتی کینهاک»، نسخه‌های خطی، (نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)، زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. تهران، دفتر پنجم، ص ۶۸۹ - ۷۱۳.
- بروکلمان، کارل، ۱۹۹۵م، *تاریخ الادب العربی، القسم التاسع: العصر العثماني*. الاشراف علی الترجمة العریبة: محمود فهمی حجازی بالتعاون مع عمر صابر عبدالجلیل، قاهره.
- بغدادی، اسماعیل بن محمد امین، ۱۹۴۷م/ ۱۳۶۶ق، *ایضاح المکنون: فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون*. ج ۲، عنی بتصحیحه و طبعه رفعت بیلکه الکلیسی، استانبول.
- بغدادی، اسماعیل بن محمد امین، ۱۹۹۲م/ ۱۴۱۳ق، *هدیة العارفين: أسماء المؤلفين وآثار المصنفين من کشف الظنون*، ج ۲، بیروت.
- بهادر، میر عثمان علی خان، ۱۳۵۷ق، *فهرست مشروح بعض کتب نفیسه قلمیه مخزونه کتب‌خانه آصفیه سرکار عالی، حصه دوم، حیدرآباد دکن*.
- تلمسانی، احمد بن المقرئ، ۱۹۹۷، *نفح الطیب من غصن الأندلس الرطیب*. تحقیق احسان عباس، ۸ ج، بیروت.
- جول، محمد زاهد، ۲۰۰۳، *مؤلفات ابن کمال پاشا*. پایگاه اینترنتی «منتدی الاصلین»، تاریخ دست‌رسی: ۱۳۸۸/۵/۲۵؛ (<http://www.aslein.net/showthread.php?t=۳۳۱>).
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی، ۱۹۴۳م/ ۱۳۶۲ق، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، عنی بتصحیحه و طبعه رفعت بیلکه الکلیسی، استانبول.

- حسینی اشکوری، احمد، ۱۳۶۵، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی نجفی مرعشی. زیر نظر محمود مرعشی، قم.
- دانش پژوه، محمدتقی، ۱۳۴۶، «فهرست کتابخانه سازمان لغتنامه دهخدا»، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در باره نسخه‌های خطی تهران، ج ۳، ص ۱-۵۹.
- دانش پژوه، محمدتقی، ۱۳۶۰، «فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه لس آنجلس»، نسخه‌های خطی، دفتر یازدهم و دوازدهم نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. زیر نظر محمدتقی دانش پژوه و اسماعیل حاکمی، تهران، ص ۱-۷۷۲.
- دانش پژوه، محمدتقی و افشار، ایرج، ۱۳۴۴، نسخه‌های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر چهارم، تهران.
- دانش پژوه، محمدتقی، ۱۳۶۴، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۷، (از شماره ۱۰۰۱ تا ۱۰۰۵)، تهران.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغتنامه، تهران.
- زرکلی، خیرالدین، ۲۰۰۵م، الأعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، ج ۱۶، بیروت.
- زیدان، جرجی، ۱۹۸۳، تاریخ آداب اللغة العربیة، بیروت.
- زینیمی، محمدبن الحکیم، ۱۳۵۸، منهاج الطلب: کهن‌ترین دستور زبان فارسی. به کوشش محمدجواد شریعت، اصفهان.
- ژرمیاس، اوام، ۱۳۸۶، «کمال پاشازاده در جایگاه یک زبان‌شناس»، تاریخ پیوستگیهای فرهنگ ایران با فرهنگ زبان‌های ترکی در سده‌های ۱۱-۱۷، گردآوری اوام. ژرمیاس، ترجمه عباسقلی غفاری فرد، تهران.
- سبحانی، توفیق هاشم‌پور و آق‌سو، حسام‌الدین، ۱۳۷۴، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، تهران.
- سید، فؤاد، ۱۹۶۲م/۱۳۸۲ق، فهرست المخطوطات (المخطوطات التي اقتنتها الدار من سنة ۱۹۳۶-۱۹۵۵)، قاهره.
- سیدیونسی، میر ودود، ۱۳۵۰، فهرست کتابخانه ملی تبریز، ج ۲: کتب خطی اهدایی مرحوم حاج محمد نخجوانی، تبریز.
- صاوی، صائمه اینال، ۱۳۵۵، «دستورنویسی در دوره تنظیمات»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۲۳، ش ۱ و ۲ (بهار و تابستان، پیاپی ۹۳-۹۴)، ص ۲۸۸-۲۹۴.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۳، تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی، ج ۱۰، تهران.
- صفدی، خلیل بن ابیک، ۱۹۹۱م/۱۴۱۱ق، الوافی بالوفیات. ج ۳، باعثناء س. دیدرینغ. شتوتگارت.
- صنیع، مهین بانو، ۱۳۷۱، سیری در دستور زبان فارسی، یا سیری در آثار نخستین دستورنویسان زبان فارسی. تهران.

- صوتی، محمدعلی، ۱۳۶۰، «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های رومانی»، نسخه‌های خطی، دفتر یازده و دوازده نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه و اسماعیل حاکمی، تهران، ص ۹۵۶ - ۹۸۹.
- طرازی، نصرالله، ۱۹۶۷م، فهرس المخطوطات الفارسیة التي تفتنیها دار الکتب حتی عام ۱۹۶۳م، قاهره.
- فهرس المخطوطات الاصلیة، جامعه الكویت: مكتبة جابر الأحمد المركزيه، كویت، ۲۰۰۳م / ۱۴۲۴ق.
- فهرس المخطوطات التركیة العثمانیة التي اقتنتها دار الکتب القوميہ منذ عام ۱۸۷۰ حتى نهاية ۱۹۸۰، قاهره، ۱۹۸۷م.
- قره‌بلوط، علی‌الرضا و قره‌بلوط احمد طوران، [بی‌تا]، معجم تاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم (المخطوطات والمطبوعات)، ترکیه - قیصری.
- کتبی، محمدبن شاکر، ۱۹۷۴م، فوات الوفیات، تحقیق احسان عباس، بیروت.
- کحاله، عمر رضا، ۱۹۵۷م / ۱۳۷۶ق، معجم المؤلفین: تراجم مصنفی الکتب العربیة، دمشق.
- لکنوی هندی، محمدعبدالحی، ۱۳۲۴ق، الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیة، عنی بتصحیحه وتعلیق بعض الزوائد علیه السیدمحمد بدرالدین أبو فراس النعسانی، مصر.
- متقی، حسین، ۱۳۸۱، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، ج ۱: نسخه‌های خطی ترکی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، به سرپرستی سید محمود مرعشی نجفی، قم.
- مدرس، محمدعلی، ۱۳۷۴، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب، یا کنی و القاب، ج ۴، تهران.
- مشار، خانابا، ۱۳۴۰، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تا کنون. ج ۱، [بی‌جا].
- معین، محمد، ۱۳۷۵، فرهنگ فارسی، ج ۱۰، تهران.
- منزوی، احمد، ۱۳۷۰، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۱۳، اسلام‌آباد.
- منزوی، احمد، ۱۳۵۰، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، تهران.
- مهیبار، محمد، ۱۳۷۶، فرهنگ دستوری، تهران.
- مینوی، مجتبی، ۱۳۳۶، «دستور زبان فارسی»، یغما. س ۱۰، ش ۱۰ (پیاپی ۱۱۴)، ص ۴۳۳ - ۴۴۶.
- نقوی، شهریار، ۱۳۴۱، فرهنگ‌نویس فارسی در هند و پاکستان. تهران.
- همایی، جلال‌الدین، ۱۳۲۲، «گفتار در صرف و نحو فارسی»، نامه فرهنگستان، س ۱، ش ۲ (خرداد و تیر)، ص ۲۶ - ۶۸.
- همایی، جلال‌الدین، ۱۳۳۷، «دستور زبان فارسی»، لغتنامه، علی‌اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین، ج ۱، مقدمه و تکمله به قلم گروهی از نویسندگان، تهران، ص ۱۱۰ - ۱۴۷.

Ahlwardt, W., ۱۸۹۴, *Die Handschriften-Verzeichnisse der Königlichen Biblioth zu Berlin: Verzeichniss der Arabischen Handschriften*, Berlin.

Beeston, A. L., ۱۹۵۴, *Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu Manuscripts in the Bodleian Library*, Oxford.

de Slane, M., ۱۸۸۳-۱۸۹۳, *Catalogue des Manuscrits Arabes*, Paris.

Flügel, G., ۱۸۶۵, *Die Arabischen, Persischen und Türkischen Handschriften der Kaiserlich-Königlichen Hofbibliothek zu Wien*, Wien.

Flügel, G., ۱۸۶۷, *Die Arabischen, Persischen und Türkischen Handschriften der Kaiserlich-Königlichen Hofbibliothek zu Wien*, Wien.

Vajda, G., ۱۹۵۳, *Index Général des Manuscrits Arabes Musulmans de la Bibliothèque Nationale de Paris*, Paris.

